



کرسی علمی مدیریت بحران برگزار می‌شود

کرسی علمی ترویجی مدیریت بحران در جمهوری اسلامی، سومین جلسه از سلسله‌جلسات «انقلاب اسلامی و بحران‌های اجتماعی و سیاسی» دوشنبه ۲۱ خرداد جاری از ساعت ۹ تا ۱۱ در محل پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار می‌شود. در این کرسی می‌نویس محمدی به ارائه مقاله می‌پردازد. همچنین یحیی فوزی و سیدجلال دهقانی فیروزآبادی ناقدی این کرسی علمی را برعهده خواهند داشت.



نقد و نظر

گفتمان خوداستنادی در مطالعات قرآنی



محمد باعزم
پژوهشگر مطالعات اسلامی

موضوع خوداستنادی در قرآن کریم نخستین بار در هم‌نشست برلین در سال ۲۰۰۴ مطرح شد و طبیعتاً ادعایی برای برون‌داد این موضوع نداشت و علاقه‌مندان به این موضوع تاریخی‌سازی متن قرآن را در دستور کار خود قرار دادند. ابعاد تاریخی این موضوع با ایده فرامتنیت قرآن کریم گره خورده و بر نقش قرآن به‌عنوان عملکرد، قرائت و عامل تعیین‌کننده یک جامعه تأکید می‌کند. حاصل این پروژه کتابی شد که در سال ۲۰۰۶ میلادی با عنوان خوداستنادی در قرآن کریم به‌همراه مقالاتی از برترین پژوهشگران قرآن شرق شناس همچون اشتفان ویلد، جرالد هاوتینگ، توماس هانفمن، دنیل مادیگان، آنجلیکا نویورت و نیکولای سینایی همراه بود.



خوداستنادی، گفتمان زبان و پیام‌های فراارتباط بین گوینده و دریافت‌کننده پیام است. یکی از ویژگی‌های مهم خوداستنادی، پدیده پیام‌گزارش شده در قالب یک‌نوع گفتمان است که نشان‌دهنده آن است. یکی دیگر از ویژگی‌های خوداستنادی وضع پیش‌زمینه فعالیت‌های فرازبان شناختی است. روش‌های مختلفی از گزارش‌گفتار را می‌توان در کنار هم قرار داد به‌عنوان اینکه پیوستگی تابع از اینکه آیا «صدای» گوینده به‌صورت متمایز یا تلفیق شده منتقل شده است. قرآن، نمونه اصلی یک سند گسترده از سخن گفتار است و این موضوع از اول تا آخرین سوره و در سطح آیه و کلمه وجود دارد. قرآن کریم کلمات زیادی را در خود جای داده است که به خود، ارجاع و استناد می‌دهد و الهام الهی نیز آن را تأیید کرده و جنبه‌های مختلف آن را تحت اسامی مختلف خود نشان می‌دهد. قرآن، کتاب، ذکر، نبأ، بشری، انداز، تنزیل، وحی، مثل، حکم، پینه، قصص، حکمت، هدی و... عملکرد دقیق بسیاری از این کلمات در قرآن کریم مشخص نیست. آنچه که به‌انداز اشاره دارد، پیامی از قیامت را هویدا می‌سازد و آن بخش که به هدی اشاره دارد، به بهشت بازمی‌گردد، در حالی که این اسم‌ها به نتیجه فرآیند الهام الهی اشاره می‌کنند. تقریباً افعال زیادی وجود دارند که عملکرد خود را توضیح می‌دهند. گاهی اوقات این افعال معادل اسمی قرآنی ندارند که از جمله آن می‌توان به «فرض» اشاره کرد. در کتاب مقدس و عهد جدید نیز نمونه‌هایی در مقیاس کوچک‌تر از قرآن از فرامتنیت وجود دارد. پس از این دوره، دنیل مادیگان در سال ۲۰۰۶ کتابی را با عنوان «خوداستنادی قرآن» که به صورت مشخص روی واژه «کتاب» کار می‌کرد، منتشر کرد. تحقیقات او مبنایی برای یک پروژه در مقطع دکتری توسط خانم آن‌سیلوی بوالیووشد و مبنایی کار وی قرار گرفت. در سال ۲۰۱۴ کتاب قرآن به روایت قرآن نوشته خانم آن‌سیلوی بوالیوو^{۱۱} به‌زبان فرانسوی در انتشارات بریل چاپ شد. این کتاب تلاشی نقادانه در روش معناشناسی قرآنی براساس دیدگاه نسبت‌زبانی ایزوتسو است. وی در این پژوهش تلاشی کرده با ارائه روشی مغایر با روش توشیهو ایزوتسو^{۱۲} و دانیل مادیگان^{۱۳} به شیوه‌ای دست‌یافت‌ناپذیر تا با مراجعه به قرآن کریم، براساس الگوی خوداستنادی، معنای واژگان قرآن را ارائه کند. این کتاب در سال ۱۳۹۳ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد و جایزه دریافت کرد که بر اهمیت این موضوع می‌افزاید. این کتاب به‌عنوان جدیدترین نظریه‌پردازی در دریافت معنای واژگان قرآن کریم بر مبنای خوداستنادی و حوزه مطالعات قرآنی است.

در انتها باید افزود که شناخت مطالعات قرآنی در آکادمی غرب مستلزم دانش زبانی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی است و مجهز شدن به آن همتی درخور طلبیده تا بتوان براساس آن، دیدگاه اندیشمندان این حوزه در غرب را شناخت و با زبان دقیق و علمی پاسخی شایسته ارائه کرد و حضوری درخشان در این عرصه داشت.

1. Stefan Wild
2. Gerald Hawting
3. Thomas Hoffmann
4. Daniel A. Madigan
5. Angelika Neuwirth
6. Nicolai Sinai
7. J. John A. Lucy (ed.) Reflexive language. Reported speech and metapragmatics, Cambridge ۱۵-۲, ۱۹۹۳.
8. Voloshinov Bakhtin, maxism and the philosophy of language, New York, ۱۹۷۳.
9. Metatextual
10. Le Coran par lui-même
11. Anne-Sylvie Boisliveau
12. Toshihiko Izutsu
13. Daniel Madigan

قانعی‌راد از توسعه علوم انسانی در ایران می‌گوید

نشست «مسائل توسعه علوم انسانی در ایران» با سخنرانی محمدامین قانع‌راد و دبیری علمی مالک شجاعی جوشقانی برگزار می‌شود. این نشست چهارشنبه ۲۳ خرداد از ساعت ۱۴ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار خواهد شد. علاقه‌مندان برای حضور در این نشست می‌توانند به نشانی بزرگراه کردستان، خیابان صادق آئینه‌وند مراجعه کنند.



محسن جبارنژاد
پژوهشگر

بحث دوستی و محبت عموماً در فلسفه و ادبیات پیگیری می‌شود. دوستی را می‌توان از منظرهای متفاوتی اعم از فلسفی، جامعه‌شناختی و حتی روانشناختی موردتامل قرار داد. در این مختصر نیز سعی شده نیم‌نگاهی به این مساله از منظر فلسفه سیاسی افکنده شود، منتها از دو زاویه متفاوت چنان‌که تأکید اصلی این متن، بیشتر بر بررسی امکان گفت‌وگوی بین این دو سنت فلسفه سیاسی (غرب و اسلام خصوصاً رویکرد صدرایی) در باب مفهوم دوستی است.

۱- شاید بتوان قدیمی‌ترین متن مکتوب راجع به دوستی را رساله لوسیپ افلاطون دانست که در آن به چیستی دوستی و اینکه چه کسی را می‌توان دوست خطاب کرد، می‌پردازد؛ البته قبل از افلاطون حکمای سبعه و حتی کسانی نظیر فیثاغورث به‌محبت دوستی پرداخته‌اند. حتی سقراط هم دیدگاه‌هایی در مورد دوستی دارد که عمده آنها از طریق ذاب دوستی خاطرات گزنفون و نیز همین رساله لوسیپ افلاطون به دست ما رسیده است. با ارسطو، مساله دوستی، پایی در فلسفه اخلاقی و پایی در فلسفه سیاسی پیدا می‌کند. رواقیان دوستی را به حکیمان محدود می‌کردند و اپیکوریان هم دوستی را از منظر لذت می‌نگریستند. سنیرون در رساله مشهور خود «در باب دوستی»، منشادوستی را به طبیعت برمی‌گرداند. تلقی رومی‌ها از دوستی عموماً سیاسی است چنانکه در اندیشه رومی، دوستی پیوند انسان‌های سیاسی تعریف می‌شود. باآنکه معمولاً ادعا می‌شود مسیحیت نسبت به دوستی بی‌اعتناست در عین حال، این‌گونه نیست. مسیحیت دوستی را طرد نمی‌کند بلکه آن را در جریان عمیق‌تری (که معمولاً گفته می‌شود ازدواج است) جذب می‌کند. با ظهور رنسانس، نوع نگاه به دوستی دچار تحولی اساسی می‌شود، چنانکه عرفی‌گری پدیدآمده در اثر عصر نوزایی، در این تحول بی‌تأثیر نیست. دوستی در این دوران صرفاً رابطه‌ای میان انسان‌ها تلقی می‌شود و هرگونه نگاه قدسی به مساله دوستی (نظیر رابطه دوستی میان انسان و خدا) به کناری نهاده می‌شود. دوستی در این دوران یک اختیار و انتخاب کاملاً شخصی تلقی می‌شود و نه بخشی از اخلاقیات عام و مشترک میان انسان‌ها. خلاصه‌تأثیر دوستی می‌تواند کاملاً «شخصی» باشد.

عقل و زمانه



بهروز فرنو
پژوهشگر تاریخ و فلسفه

از مباحث قبل می‌توان نتیجه گرفت که «تلقی خطی» و «پیوسته رو به پیش» از زمان و تاریخ، یعنی تجدد و ترقی مدرن، از اواخر قرن ۱۹ و با [پیدایی] بحران‌های اجتماعی در جوامع، دچار مساله شد و رویای «بهشت زمینی» که از قرن ۱۶ با رنسانس آغاز شد و در قرن ۱۸ با انقلاب فرانسه (و بعد از آن با دیگر انقلاب‌های جدید) تثبیت شده بود، محل تامل و پرسش قرار گرفت.

در حقیقت بشرانگاری و خودبنیادی که به صورت «اصالت فرد» در انقلاب‌های مدرن قرن ۱۸ و پس از آن تثبیت شده بود، به جهت بحران‌های فراینده با «اما و اگر» و «تزلزل در اعتقاد به بشرانگاری» و «خدایگانی انسان مدرن» مواجه شد. در مقابل در فلسفه‌های چپ و دیالکتیک، سعی شد پاسخ «مشکل تعارضات اجتماعی و طبقاتی» با رجوع به «بنیادگرفتن جمع (تحنائیت)» و توجه به «بشرانگاری اجتماعی» و «سوسیال» داده شود. به این ترتیب مدرنیته و تجدد، راه دیگری غیر از مسیر خطی تاریخ پیدا کرد و آن «فلسفه‌های تاریخ» و «تکامل اجتماعی دیالکتیکی» بود. در نتیجه منورالفکری (به اصطلاح مشروطه) جای خود را به روشنفکری داد و لیبرالیسم نیز به سوسیالیسم.

اما بحران‌های بعدی قرن بیستم در حوزه‌های فکری ناسیونال و سوسیال، رویای بهشت اجتماعی و رفع محرومیت از طبقات فرودست را [هم] با مساله مواجه کرد. اکنون پس از مسائل پیش‌آمده در حوزه‌های منورالفکری و روشنفکری، خواه‌ناخواه زمان «پرسش از خدایگانی بشر»^(۱) در هر دو حوزه [یعنی لیبرالیسم و سوسیالیسم] رسیده است.

احمد احمدی درگذشت

دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس سازمان «سنت» روز گذشته به دلیل عارضه قلبی درگذشت. وی از موسسان دانشگاه تربیت مدرس و در هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم تهران بود. از جمله آثار او، می‌توان به کتاب‌های «بن‌لایه‌های شناخت» (تالیف)، «مختارات و نصوص فلسفه اسلامی» (تالیف)، «نقد تفکر فلسفی غرب» (ترجمه)، «تأملات در فلسفه اولی» (ترجمه) اشاره کرد.



گفت‌وگوی فلسفه‌های سیاسی

در باب عشق، دوستی و محبت



فرض می‌شود. اوج این نگاه شخصی‌شده به دوستی را در تفرد و اندویدالیسم افراطی ملهم از لیبرالیسم می‌بینیم که فردیت لیبرال را در مقابل مفهوم کلاسیک دوستی که امری کاملاً بین‌ذاتی و اجتماعی است، می‌نشانند. دوستی در قرن هفدهم با نوعی عقلانیت گره می‌خورد و در تقابل با شوریدگی‌های عقل‌گریز مفهوم «عشق» قرار می‌گیرد. در دوره روشنگری نیز دوستی به موضعی اساساً اخلاقی و این‌جهانی تبدیل می‌شود آن هم بدون هرگونه سرشت احساسی. در رمانتیسیم مجدداً مقوله عشق و دوستی در برابر هم قرار می‌گیرند. در نگرش‌های رمانتیک، دوستی وجهی سوپرکتیو و در عین حال رازآلود پیدا می‌کند. در مقابل در تعریف کانت، مجدداً بر هویت اخلاقی دوستی تأکید می‌شود. شوپنهاور و نیچه در ادامه، دوستی را عمدتاً از منظر روانشناختی می‌نگرند. هگل دوستی را در پیوند با مفهوم آزادی می‌بیند و آن را همانند عشق، از ویژگی‌های انسانیت می‌داند. هگل دوستی را در مقابل شریف‌لک‌زایی، فصلی مجزایه‌محبت‌محبت در اندیشه سیاسی صدرای اختصاص داده شده است و پرداخت مستقل دیگری به این مقوله در آثار سایر نویسندگان وجود ندارد). نویسنده فلسفه سیاسی صدرالمتألهین بر این باور است که صدرای دو اثر خود (المبدأ و المعاد و نیز شواهد الربوبیه) مستقلاً و به تفصیل درباره محبت سخن رانده است. وی معتقد است بحث‌های صدرای در باب محبت و دوستی، صرفاً محدود به محبت باری

رویکردهای پراگماتیستی در فلسفه سیاسی، مقوله دوستی عمدتاً از منظر فایده‌گرایانه ارزیابی و بحث می‌شود. این خلاصه‌ای بسیار فشرده بود از سیر تطور مفهوم دوستی در فلسفه غرب. ۲- فیلسوفان مسلمان بحث‌هایی راجع به محبت و دوستی داشته‌اند که از این میان می‌توان به فارابی، ابن مسکویه و خواجه‌نصیر اشاره کرد. یکی از کسانی که به مقوله دوستی و محبت پرداخته، صدرالمتألهین است که البته در این خصوص کمتر به این اندیشمند توجهی شده است (تا جایی که نگارنده اطلاع دارد فقط در کتاب «فلسفه سیاسی صدرالمتألهین» تالیف شریف‌لک‌زایی، فصلی مجزایه‌محبت‌محبت در اندیشه سیاسی صدرای اختصاص داده شده است و پرداخت مستقل دیگری به این مقوله در آثار سایر نویسندگان وجود ندارد). نویسنده فلسفه سیاسی صدرالمتألهین بر این باور است که صدرای دو اثر خود (المبدأ و المعاد و نیز شواهد الربوبیه) مستقلاً و به تفصیل درباره محبت سخن رانده است. وی معتقد است بحث‌های صدرای در باب محبت و دوستی، صرفاً محدود به محبت باری

تجدیدچاپ

«نماد و اسطوره»

کتاب «نماد و اسطوره» نوشته حمید یارسانیا، با مقدمه آیت‌... جوادی آملی تجدیدچاپ شد. این کتاب در ۱۹۲ صفحه و با قیمت ۱۱۰۰۰ تومان به همت انتشارات کتاب فردا و با حمایت دفتر نشر معارف عرضه شده است. مباحث کتاب در واقع درآمدی بر معرفت‌نمادهای اجتماعی است و تمرکز آن بر مباحثی است که درباره نمادهای حقیقی در دو علم فلسفه و عرفان نظری مطرح شده است.



نسبت به بنندگان نیست و شامل محبت رسول... با خلق... نیز می‌شود. نویسنده معتقد است وجه اخیر در کنار نقشی که صدرای برای عبادات جمعی در ایجاد دوستی و محبت و همبستگی اجتماعی قائل است، مباحث صدرای را مستعد واجدبودن پتانسیل ارائه یک صورت‌بندی منسجم و نظم‌یافته در خصوص مقوله دوستی و محبت می‌کند و درست به همین دلیل هم هست که ایشان این بحث را با نگاهی مبتنی بر فلسفه سیاسی، در ردیف سایر مولفه‌های مهم فلسفه سیاسی صدرای قرار می‌دهد و مستقلاً فصلی از کتاب فلسفه سیاسی صدرالمتألهین را به موضوع محبت و دوستی اختصاص می‌دهد. طرح مساله محبت در اندیشه صدرای از منظر فلسفه سیاسی، قابلیت گفت‌وگوی مفصلی میان دو سنت فلسفه سیاسی غرب و حکمت سیاسی متعالیه ایجاد می‌کند. انکای مفهوم محبت و دوستی در اندیشه صدرای به مقوله معرفت در اندیشه این فیلسوف (چنانکه وی، محبت را نتیجه معرفت می‌داند)، آن هم با توجه به رویکرد وجودشناختی صدرالمتألهین (و در نتیجه تقدم وجود دوستی بر ماهیت و چیستی آن و نیز تقدم چیستی آن بر چگونگی آن)، پرداخت صدرایی به دوستی را متفاوت با رویکردهای فارابی، ابن مسکویه و خواجه‌نصیر خواهد کرد. البته ابهاماتی هم در باب جایگاه محبت در فلسفه سیاسی صدرایی وجود دارد که باید بدان‌ها پاسخ گفت؛ ابهاماتی از این دست: جایگاه محبت به مثابه یک فضیلت در اندیشه صدرای، در شبکه فضایل و خیرات دقیقاً کجاست؟ به‌عنوان مثال نسبت دوستی و محبت به عدالت در فلسفه سیاسی صدرای کدام صورت است؟ آیا صدرای همانند خواجه یارسانیا، دوستی و محبت را مقدم بر عدالت می‌داند یا خیر؟ وجه اشتراک و افتراق مفهوم دوستی و محبت در اندیشه صدرالمتألهین با هر کدام از رویکردهای غربی به این مقوله (که در بالا اشاره شد)، چیست؟ با توجه به اینکه در غرب عمدتاً بر مقوله عشق و دوستی تأکید شده، نسبت دوستی و واژگانی ملایدرابر هر دو مقوله عشق و محبت تأکید می‌کند، برای انگیزه‌های متفاوت میان دو سنت صدرایی و غربی (آن هم با توجه به تفاوت‌هایی که میان دو مقوله عشق و محبت وجود دارد)، عشق صدرایی یا محبت صدرایی؛ کدام یک نقطه عزیمت مناسب‌تری به نظر می‌رسد؟

منابع:

- ۱- حسینی، مالک (تدوین و تالیف)، دوستی (چند رویکرد به یک مفهوم)، تهران: هرمس، ۱۳۹۱.
- ۲- لک‌زایی، شریف، فلسفه سیاسی صدرالمتألهین، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.

زمانی برای فکر (۳)

مقاومت، انقلاب اسلامی و گذشت از خودبنیادی

اسیر مناسبات معمول شده‌اند؛ و نیز بالکل تا چه حد امکان» این گذشت برای ما، هست و به دید آوردن این امکان، چگونه است. فی‌الجملة بر این اساس، بحث اینجاست که در این زمان و در این بحران، چگونه می‌توان جهت‌رستگاری و وارستگی را یافته و در این دریای توفانی، به سرمنزل مقصود راه برد.

پی‌نوشت‌های تنظیم‌کننده:

۱- ممکن است گفته شود در غرب هم، دین و خدا و افراد معتقد هستند. البته چنین است؛ اما باید توجه داشت خدایگانی بشر همیشه با «شرک یا کفر جلی» ملازمه ندارد. گاه در این خدایگانی، دین و خدا هم در کار است اما دیگر متعالی نیست و شریعت و طریقت نیست، دینی، جای خود را به امور دیگر می‌دهد. خدای این دینان مدرن نیز خدایی قالبی (که قالب آن را می‌توان دچار قبض و بسط کرد) و قالبی است و شأنی در حیات بشری ندارد؛ اما همچنان از آن بحث می‌شود و گاهی به صرف وجود خدا (فارغ از ایمان به او و التزام به شریعت) ادعان نیز می‌شود اما فرض

اصولاً این توجه جدی لازم است که قبل از عصر جدید، در عموم مذاهب و آیین‌ها، از آنجا که زمان دنیوی، «اعتباری» و اعتبار آن به «زمان باقی» و «حقایق ازلی و ابدی» و «حقیقه‌الحقایقی» و رای این عالم فانی بود، فراز و فرود ملل و نحل همواره نسبت به آن حقایق لحاظ می‌شد. (۳) تنها در عصر جدید است که نیست‌انگاری و به غلبه تام و تمام رسیده و «حیات دنیا»، «زمان فانی» و «شان بشری انسان» اصالت پیدا کرده است. آنچه اکنون خود در بحران قرار گرفته است. اکنون افکار مابعد مدرن - که در حوزه‌های حیویت و اگرستانس می‌تواند چپتی ماورای مدرن پیدا کند. گرچه عادات و مناسبات حاکم درین قرن اخیر، به‌رغم بحران‌های پیش‌آمده، همچنان سعی در حفظ «سلطه استکباری سیاست‌های جهانی» دارد.

در این میان بحث اینجاست که نهضت‌های ضداستکباری در عالم کنونی - به خصوص انقلاب اسلامی و جنبش‌های مقاومت - تا کجا و تا چه حد از خودبنیادی و بشرانگاری گذشته و «جهت تعالی» یافته‌اند و تا کجا